

خبر

نامه ایران به سازمان ملل در پی تهدیدات گستاخانه و ادعاهای مشمژ کننده ترامپ

«غلامحسین درزی» سفير و کاردار جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل در نامه ای به دبیرکل سازمان ملل متحد و رئیس شورای امنیت در پی تهدیدات «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری آمریکا، گفت که این ادعاهای گستاخانه و مشمژکننده صرفاً یک لفاظی سیاسی نیست بلکه خلاف قوانین بین المللی و منشور سازمان ملل متحد است.

به گزارش ایرنا، متن کامل نامه ایران به آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل و رئیس شورای امنیت به شرح زیر است:

پیرو دستور دولت متبوعم و در ادامه نامه‌های پیشین ما درباره اقدامات تجاوزکارانه ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل علیه حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران، بدین‌وسیله مايلم توجه جنابعالی و اعضای شورای امنیت را به یک تهدید صریح علیه موجودیت جمهوری اسلامی ایران که از سوی رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا مطرح شده است، جلب نمایم.

در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۶، رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا در سخنرانی خود در هشتاد و یکمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با سوءاستفاده از همان جایگاهی که برای گردهم آوردن ملت‌ها در راستای صلح و همکاری بین‌المللی ایجاد شده است، آشکارا جمهوری اسلامی ایران، یکی از اعضای بنیان‌گذار سازمان ملل متحد، را به نابودی تهدید کرد. وی با گستاخی آشکار کرد: «... من جمهوری اسلامی را نابود می‌کنم و این کار را به‌سرعت انجام می‌دهم.» وی همچنین ادعا کرد که می‌تواند: «آنها را بدون هیچ شناسی برای بقا و بدون هیچ ابیدیه به عظمت و شکوه ی نسل‌های آینده، به جهنم‌بفرستد.»

این اظهارات نفرت‌انگیز و مشمژ کننده، سخنانی مبهم یا بی‌سابقه نیستند؛ بلکه بخشی از الگویی مستمر از تهدیدهای علنی علیه ایران از سوی رئیس یک دولت عضو دائم شورای امنیت هستند که اساساً مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به آن واگذار شده است. علاوه بر این، در ۲۲ مارس ۲۰۲۶، رئیس‌جمهوری ایالات متحده تهدید کرد که کشورش «نیروگاه‌های ایران را هدف قرار داده و نابود خواهد کرد».

در ۳۰ مارس ۲۰۲۶، رئیس‌جمهوری ایالات متحده تهدید به تخریب گسترده تأسیسات انرژی و دیگر زیرساخت‌های حیاتی ایران، از جمله تأسیسات آب‌شیرین‌کن، کرد. در ۶ آوریل ۲۰۲۶، وی بار دیگر ادعا کرد که «می‌توان کل کشور را در یک شب از بین برد» و همزمان تهدید کرد که پل‌ها و نیروگاه‌های ایران را نابود خواهد کرد. وی همچنین مدعی شد که ایران «دیگر هیچ پلی» و «هیچ نیروگاهی» نخواهد داشت.

در ۷ آوریل ۲۰۲۶، این تهدید بیش از پیش تشدید شد. رئیس‌جمهوری ایالات متحده علنی اعلام کرد: «یک تمدن کامل امشب نابود خواهد شد و دیگر هرگز بازگردنده نخواهد شد.»

این تحول اخیر از اهمیتی خطیر و به‌ویژه نگران‌کننده برخوردار است، زیرا مجمع عمومی سازمان ملل متحد محل طرح تهدید به نابودی نیست.

این مجمع، اصلی‌ترین تریبون جهانی سازمان است که اهداف بنیادین آن شامل حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، توسعه روابط دوجانبه میان ملت‌ها و تحقق همکاری‌های بین‌المللی می‌شود. منشور ملل متحد مسئولیت‌هایی را بر عهده سازمان و ارکان اصلی آن می‌گذارد که در موارد تهدید آشکار یک دولت عضو به نابودی دولتی دیگر، مستقیماً مصداق پیدا می‌کنند.



همزمان با ادامه فشارهای سیاسی و نظامی علیه ایران، آرایش نیروهای آمریکا در منطقه شکل تهاجمی‌تری به خود گرفته است. مواضع متفاوت کشورهای عربی نیز به یکی از متغیرهای مهم تحولات منطقه تبدیل شده است.

به گزارش فرارو، در حالی که عمان و قطر همچنان بر استفاده از مسیر گفت‌وگو تأکید دارند، عربستان و امارات رویکرد سخت‌تری را دنبال می‌کنند. از سوی دیگر، در داخل ایران نیز مسئله هماهنگی سیاسی و چگونگی مواجهه با امکان مذاکره همچنان مطرح است.

پرسش این است که در چنین شرایطی، چه عواملی مسیر کاهش تنش و مذاکره را دشوار کرده‌اند و آیا با وجود افزایش تهدیدهای نظامی، هنوز امکان بازگشت به مسیر دیپلماتی وجود دارد؟

جلال ساداتیان، دیپلمات پیشین ایران در انگلستان و تحلیلگر سیاست خارجی، در گفتگو با فرارو به بررسی وضعیت موجود در روابط ایران و آمریکا، فشارهای سیاسی بر دولت ترامپ، میزان هماهنگی داخلی و همچنین اختلاف مواضع کشورهای عربی درباره نحوه مواجهه با ایران پرداخته است.

افشار اقتصاد؛ نقطه آسیب‌پذیر ایران

جلال ساداتیان با اشاره به ناپایداری شرایط موجود در حوزه سیاست خارجی گفت: «در یک سوی ماجرا یک برقدردن با یک قدرت منطقه‌ای ایستاده که اتفاقاً اتمی هم هست و برلی خود به دنبال توسعه جایگاه است. آمریکا و اسرائیل می‌خواهند برای خود هژمونی و جایگاه ویژه ایجاد کنند و منطقه را تحت کنترل خود بگیرند. ساداتیان ادامه داد: «در طرف دیگر، ایران ایستاده است؛ کشوری که تاکنون

موفق شده از پس فشارهای نظامی این دو برآید و مقاومت کند. در ماه‌های گذشته، اسرائیل و آمریکا تلاش زیادی کردند که حاکمیت ایران را تغییر داده و دست‌نشانده خود را مسلط کنند، اما موفق نشده‌اند.»

وی افزود: «نایداد فراموش کنیم که علی‌رغم همه این موفقیت‌ها، فشارهای اقتصادی و افزایش نارضایتی افشار ضعیف جامعه می‌تواند در بلندمدت خطرناک باشد. اما بالاخره آنچه اسرائیل و آمریکا در نظر داشتند، اصلاً رخ نداده است. قطعاً طبقات ضعیف جامعه تحت فشار قرار گرفته‌اند، اما دولت فعلاً در ادامه شرایط موفق بوده است.»

ساداتیان در ادامه با اشاره به جایگاه دیپلماتی در تصمیم‌گیری‌های ایران گفت: «ایران همواره سعی کرده دیپلماتی را ادامه دهد و این موضوع را بارها مورد تأکید قرار دهد. آمریکا در توافق اسلام‌آباد هم مدام به دنبال این بود که توافق‌نامه را به هم بزند و مثل برجام با بهانه از آن خارج شود. این بار نیز همین رفتار را انجام داد و هنوز هم حملات آن به شکل پراکنده ادامه دارد.»

ساداتیان در ادامه با اشاره به فشارهای سیاسی بر ترامپ گفت: «مجلس نمایندگان آمریکا برای سومین بار تلاش کرد اختیارات رئیس‌جمهور را در زمینه جنگ محدود کند و این طرح با ۲۲۰ رأی موافق در برابر ۲۰۴ رأی مخالف به تصویب رسید. قرار بود این موضوع در مجلس سنا نیز بررسی شود، اما سنا‌تورها با ۵۰ رأی مخالف در برابر ۴۹ رأی موافق، آن را رد کردند. بنابراین، فشارهای سیاسی بر ترامپ نیز بسیار بالا است.»

نمونه روشن این مسئله هرمز است. در جریان جنگ، کاهش شدید تردد کشتی‌ها در این آبراه نشان داد که امنیت انرژی و تجارت جهانی می‌تواند مستقیماً تحت تأثیر تحولات میدان جنگ قرار گیرد. اکنون نیز موضوع هرمز به یکی از محورهای اصلی مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا تبدیل شده است.

رویترز ۲۴ سپتامبر گزارش داد که تهران و واشگتن درباره مسیری مرحله‌ای برای پایان جنگ و بازگشایی هرمز گفت‌وگو کرده‌اند. چند روز بعد، ترامپ اعلام کرد پیشنهاد ایران را رد کرده است؛ پیشنهادی که بر اساس گزارش رویترز، بازگشایی تنگه و پایان درگیری‌ها را



www.cbtekarnews.com

پشت پرده سیاست های آمریکا و رژیم صهیونیستی در فاصله دو انتخابات بررسی شد

احتمال نزدیک به جنگ؟

فضای مبهم پس از اجلاس سالانه مجمع عمومی، بار دیگر احتمال بازگشت جنگ میان ایران، آمریکا و اسرائیل را به یکی از سناریوهای جدی منطقه تبدیل کرده است؛ اما تجربه جنگ ۴۰روزه نشان داد محاسبه زمان حمله، به معنای کنترل جنگ نیست. منطقه‌ای شدن درگیری، هرمز و هزینه‌های پیش‌بینی‌ناپذیر، معادله آمریکا و اسرائیل را پیچیده کرده است.



جنگی که از محاسبات اولیه خارج شد

جنگ ۴۰روزه در حالی آغاز شد که تصور برتری نظامی آمریکا و اسرائیل می‌توانست این احتمال را ایجاد کند که زمان و دامنه درگیری قابل کنترل خواهد بود. اما روند جنگ نشان داد مسئله فقط تعداد موشک‌ها، هویلیم‌ها یا اهداف نظامی نیست؛ توان یک طرف برای تغییر زمین بازی و تحمیل هزینه‌های جدید به طرف مقابل نیز بخشی مهمی از قدرت است.

در طول جنگ، درگیری از سطح ایران، آمریکا و اسرائیل فراتر رفت و به یک بحران منطقه‌ای تبدیل شد. جبهه‌های مختلف فعال شدند، پایگاه‌ها و منافع آمریکا در منطقه مورد هدف قرار گرفت، حملات در محیط پیرامونی افزایش یافت و مهم‌تر از همه، تنگه هرمز از یک موضوع ژئوپلیتیکی به متغیری مستقیم در معادله جنگ تبدیل شد. این تحول اهمیت زیادی دارد. اگر جنگ صرفاً در محدوده ایران و اسرائیل باقی می‌ماند، واشگتن می‌توانست هزینه‌های آن را در یک چارچوب محدودتر محاسبه کند. اما وقتی جنگ به انرژی، کشتیرانی، پایگاه‌های آمریکا، متحدان منطقه‌ای و بازار نفت متصل می‌شود، هر تصمیم نظامی می‌تواند زنجیره‌ای از پیامدهایی ایجاد کند که نقطه پایان آن را ابتدا مشخص نیست. همین تجربه، مفهوم «ایران

غیرقابل محاسبه» را توضیح می‌دهد؛ نه به معنای تصمیم‌های بی‌قاعده، بلکه به معنای بازیگری که طرف مقابل نمی‌تواند دامنه، زمان‌بندی و سطح پاسخ آن را با اطمینان پیش‌بینی کند.

هرمز؛ متغیری که معادله را تغییر داد

نمونه روشن این مسئله هرمز است. در جریان جنگ، کاهش شدید تردد کشتی‌ها در این آبراه نشان داد که امنیت انرژی و تجارت جهانی می‌تواند مستقیماً تحت تأثیر تحولات میدان جنگ قرار گیرد. اکنون نیز موضوع هرمز به یکی از محورهای اصلی مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا تبدیل شده است. رویترز ۲۴ سپتامبر گزارش داد که تهران و واشگتن درباره مسیری مرحله‌ای برای پایان جنگ و بازگشایی هرمز گفت‌وگو کرده‌اند. چند روز بعد، ترامپ اعلام کرد پیشنهاد ایران را رد کرده است؛ پیشنهادی که بر اساس گزارش رویترز، بازگشایی تنگه و پایان درگیری‌ها را

پشت پرده سفر شهاب‌زده و پنهان نتایهاو به امارات

داده بود که شهید یحیی سنوار، رئیس دفتر سیاسی سابق حماس در غزه، در حال برنامه‌ریزی برای یک عملیات بزرگ در سرزمین‌های اشغالی است و از نتایهاو خواسته بود این موضوع را جدی بگیرد. ه‌آرتص گزارش داده بود که حاکم امارات از پاسخ نتایهاو شگفت‌زده شده است؛ نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی نسبتاً آرام واکنش نشان داده و گفته بود گمان می‌کند حماس قصد دارد در کرانه باختری عمل کند و اطمینان داده بود که اسرائیل برای هر سناریویی آماده است. نکته مهم آنکه نتایهاو سران نهادهای امنیتی رژیم صهیونیستی را در جریان این گفتگو قرار نداده بود. نتایهاو در پی انتشار این گزارش آن را تکذیب کرد و دفترش آن را «دروغ مطلق» خواند و تهدید کرد از ه‌آرتص و روزنامه‌نگاران به اتهام افترزا شکایت خواهد کرد. دفتر نتایهاو مدعی شد: «نخست‌وزیر در بازه زمانی مورد بحث با رئیس امارات صحبت نکرده و هیچ هشداری از او دریافت نکرده است...» ه‌آرتص نیز در پاسخ اعلام کرد که به گزارش خود پایبند است.

تأیید رسانه‌های آمریکایی و انکار مبهم امارات
روز شنبه نیز ۲ منبع، از جمله فردی که مستقیماً با محمد بن زاید گفت‌وگو کرده بود، در گفت‌وگو با نیویورک تایمز تأیید کردند که حاکم امارات پیش از ۷ اکتبر به نتایهاو درباره «حمله بزرگ» حماس هشدار داده است. وزارت خارجه امارات متحده عربی از اظهارنظر درباره گزارش‌های مربوط به این دیدار خودداری اما اعلام کرد که این کشور «اطلاعات ارتباطی باز و مستقیم» با رژیم صهیونیستی دارد و «تمام اطاعت مرتبط» را به اشتراک می‌گذارد. این اظهارنظر مبهم، نه دیدار دو طرف را تکذیب می‌کند و نه گزارش ه‌آرتص را رد می‌کند.

هشدارهای مصر تا ۴۸ ساعت پیش از عملیات طوفان الاقصی

در تحولی مرتبط، روزنامه وال‌استریت ژورنال نیز روز یکشنبه گزارش

ساعت واشگتن؛ ۳ نوامبر

در واشگتن نیز ساعت دیگری در حال حرکت است: انتخابات میان‌دوره‌ای ۳ نوامبر.

این تناقض ظاهری، همان فضای مبهم پس از ۳۴ از عملکرد ترامپ را ۳۲ درصد نشان داد و تنها ۳۴ درصد از نحوه مدیریت حملات به ایران ابراز رضایت کردند. همین نظرسنجی نشان می‌دهد مسئله جنگ با مسئله هزینه زندگی و قیمت انرژی در افکار عمومی آمریکا پیوند خورده است. بنابراین، جنگ ایران برای واشگتن فقط یک پرونده نظامی یا سیاست خارجی نیست، قیمت نفت، سوخت، تورم، هزینه حمل‌ونقل بازار اوراق خزانه و تبعات آن برای اقتصاد آمریکا نیز بخشی از محاسبه جنگ است.

این همان جایی است که «تاب‌آوری» اهمیت پیدا می‌کند. تاب‌آوری در این معنا، صرفاً تحمل فشار نیست؛ بلکه توانایی تبدیل زمان به هزینه برای طرف مقابل است. هرچه جنگ طولانی‌تر شود، هزینه‌های نظامی، اقتصادی، انرژی و سیاسی آن می‌تواند انباشته شود و محاسبه اولیه را دشوارتر کند.

متغیر سوم؛ ایران

اکنون بوضوح روشن است که تقویم جنگ را نمی‌توان فقط در واشگتن یا تل‌آویو جست‌وجو کرد. جنگ ۴۰روزه نشان داد ایران می‌تواند با تغییر سطح پاسخ، منطقه‌ای شدن میدان، انرگداری بر معادلات هرمز و تحمیل هزینه‌های جدید، محاسبه طرف مقابل

سهمینه ۷ مهر ۱۴۰۵ / شماره ۶۲۶۵

www.cbtekarnews.com

اخبار

لندن:

واردات کالا از شهرک‌های غیرقانونی اسرائیلی را ممنوع می‌کنیم

وزیر خارجه انگلیس گفت لندن واردات کالا از شهرک‌های اسرائیلی غیر قانونی در سرزمین‌های اشغالی را ممنوع خواهد کرد.

به گزارش ایسنا، «ادوارد میلپیند» وزیر امور خارجه انگلیس در سخنرانی خود در کنفرانس سالانه حزب کارگر در لیورپول اعلام کرد لندن اقدامات شهرک‌نشینان اسرائیلی در کرانه باختری را که مصداق «پاکسازی قومی» است، محکوم می‌کند. دولت انگلیس واردات کالا از شهرک‌های غیرقانونی را ممنوع و مسیرهای تأمین منابع مالی، فعالیت‌های ساختمانی و ارائه خدمات از سوی انگلیس به این شهرک‌ها را مختل می‌کند.

او گفت: ما پاکسازی قومی به دست شهرک‌نشینان در کرانه باختری را محکوم می‌کنیم. جانایات جنگی در غزه را محکوم می‌کنیم. اشغال غیرقانونی فلسطین توسط اسرائیل را محکوم می‌کنیم و سخنان خود را به عمل می‌رسانیم.

وزیر خارجه انگلیس افزود: تنها راه دستیابی به صلح، راهکار دو دولتی است و تلاش‌ها برای تعقیف این راهکار به نتیجه نخواهد رسید. این حزب، این جنبش و این دولت می‌گوید اجازه نخواهیم داد در از بین بردن راهکار دو دولتی موفق شوید. وی با اشاره به رنجی که کابینه بنیامین نتانیاهو بر مردم غزه و کرانه باختری تحمیل کرده است، گفت: این رنج، لکه ننگی بر وجدان جهان است. تهدیدهای امنیتی نمی‌تواند رنجی را که کابینه نتانیاهو بر مردم غزه و کرانه باختری تحمیل کرده است، توجیه کند. میلپیند خطاب به همه کسانی که در انگلیس و دیگر کشورها در حمایت از مردم فلسطینیان به پا خاستند، گفت: می‌خواهم به میلیون‌ها نفر در این کشور

و دیگر نقاط جهان که از مصائب مردم فلسطین متأثر و خشمگین شده‌اند، بگویم صدای شما را می‌شنویم. حق با شما بود. او همچنین دستیابی به صلح را مستلزم برخورداری فلسطینیان از آزادی، کرامت و حق تعیین سرنوشت دانست و اذعان کرد که شرایط کنونی با چنین چشم‌اندازی فاصله زیادی دارد. شهرک‌سازی اسرائیل در کرانه باختری از موضوعات مورد اختلاف میان اسرائیل و فلسطینیان و همچنین جامعه بین‌المللی است. فلسطینیان و بسیاری از دولتها و نهادهای بین‌المللی، گسترش شهرک سازی‌ها در اراضی فلسطینی را ممانعی در مسیر تشکیل کشور مستقل فلسطین و اجرای آنچه که راهکار دو دولتی می‌نامند، می‌دانند.

عصبانیت جمهوری خواهان از هگست به‌دلیل جنگ علیه ایران

همزمان با مواضع و انتقادات تند و تیز دموکرات‌ها، پایگاه آمریکایی «سمافور» گزارش داد جمهوری‌خواهان هم به دلیل جنگ علیه ایران و هزینه‌های ناشی از آن از دست وزیر جنگ آمریکا عصبانی هستند.

به گزارش ایسنا، سمافور عصر دوشنبه گزارش داد: یک تنگسکس، وزیر جنگ آمریکا از طرفی در حال تلاش به منظور تأمین ۱.۵ تریلیون دلار برای پنتاگون است و از طرف دیگر با مقاومت جمهوری‌خواهان کنگره در این مسیر مواجه می‌شود. بی‌میلی فزاینده قانونگذاران برای برآورده کردن درخواست بودجه چشمگیر پیت هگست، گزاتی‌های واقعی درون حزبی در مورد رهبری او، رابطه‌اش با کنگره و جنگ جاری علیه ایران را منعکس می‌کند. این موضوع همچنین مانه‌ها

جنجال در پنتاگون بر سر برکناری و استعفا‌ی مقامات ارشد مختلف را نیز برجسته می‌سازد. سمافور تأکید کرد: طبق مصاحبه‌ها با شش سناتور و همچنین چندین مقام دولتی، روابط متنازل هگست در کنگره، او را در مسیر دردرس بزرگتری پس از انتخابات قرار داده است. یک مقام دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به سمافور گفت: این می‌تواند به یک بی‌سست واقعی تبدیل شود و ارتش در این میان گرفتار گردد. ازجمله پیامدهای این امر می‌توان به این اشاره کرد که دیگر بودجه‌ای برای ذخیره مجدد مهمات وجود نخواهد داشت. هر چه این وضعیت بیشتر طول بکشد، خطرناک‌تر می‌شود، زیرا ما واقعا به دلیل جنگ علیه ایران بودجه خود را از دست داده‌ایم. یک سناتور جمهوری‌خواه به سمافور گفت: به نظر نمی‌رسد که هگست برنامه اجرایی برای دریافت صدها میلیارد دلار بودجه نظامی اضافی که در پاییز درخواست می‌کند، داشته باشد. افراد زیادی هستند که واقعا از جنگ علیه ایران و نحوه پیشبرد آن ناراحت و عصبانی هستند. ما احساس می‌کنیم که این جنگ به شانس ما در انتخابات میان‌دوره‌ای ماه نوامبر آسیب می‌رساند.

جلال ساداتیان مطرح کرد

وجه تهدید پررنگ‌تر از مذاکره است، اما جنگ قطعی نیست

فضایی برای تنش‌های داخلی نداریم

این تحلیلگر سیاست خارجی با اشاره به برخی ناهماهنگی‌های داخلی و اختلاف نظرهای موجود گفت: «باید دقت کنیم که ما خود قربانی ترویرسم هستیم و این همان موضوعی است که رئیس‌جمهور نیز در سازمان ملل مطرح کرد. در چنین شرایطی که رهبر و فرماندهان نظامی کشور ما قربانی ترور شده‌اند و حملات یک‌جانبه به تأسیسات نظامی ما انجام می‌شود، فضایی برای تنش‌های داخلی نداریم.»

وی افزود: «نمی‌گویم کاملاً، اما می‌گویم تا حدودی، بخشی از ناهماهنگی‌های سیاسی داخلی در سایه سخنرانی اخیر رئیس‌جمهور تعدیل شد. به جز عده‌ای خاص از جریان‌های خاص، از جمله جبهه پایداری که حاضر نیستند به هیچ قیمتی از مواضع خود عقب‌نشینی کنند، سایر گروه‌های سیاسی قبول دارند که بازگشت به نسخه‌ای از توافق، مثل توافق اسلام‌آباد، مشروط بر پذیرش شروط منطقی ایران، می‌تواند وزن و اعتبار ما را حفظ کند.»

او ادامه داد: «حق‌القول برای مدتی پس از سخنرانی آقای پزشکیان می‌توان گفت مشکلات داخلی قابل کنترل‌تر شده است. حضور آقای عراقچی در نیویورک و رایزنی با مقامات کشورهای مختلف نیز حائز اهمیت است.»

عرب‌ها بر سر ایران دو دسته شده‌اند

ساداتیان با اشاره به شرایط منطقه تأکید کرد: «کشورهای عرب منطقه دچار دودستگی شده‌اند. عمان و قطر به دنبال این هستند که از طریق گفت‌وگو مسئله را حل کنند و عربستان و امارات به دنبال این هستند که مثل اسرائیل، آمریکا را ترغیب



به حملات سنگین‌تری کنند. بنابراین در منطقه نیز شاهد دودستگی و طناب‌کشی سیاسی هستیم.»

وی افزود: «نمی‌توانیم اخبار را منکر شویم. اکنون آرایش نظامی آمریکا در منطقه کاملاً جنگی و هجومی شده است. اما اینکه آیا واقعا ترامپ حمله نظامی سنگین را به توافق ترجیح می‌دهد، جای سؤال دارد. هنوز درجه دیپلماتی بسته نشده است و گرچه وجه تهدیدی بالاتر از مذاکره است، اما این وجه قطعی نیست.»